

الگوپذیری

نیرسانشخصیت اجتماعی

ماهگی به صورت ساده و بسط شروع می شود و به مرور زمان حرکات پیچیده تری مورد تقلید او قرار می گیرند اگرچه عوامل تأثیرگذار در سنین مختلف، متفاوت خواهند بود، اما تماماً مبتنی بر سه رکنی است که به آن اشاره شد (تأثیرگذار یا الگو، تأثیرپذیر و حرکتی که مورد تقلید و تکرار قرار می گیرد)

رابطه ی سن و سال با الگوها

سن و سال، در پذیرش الگوها و سرمشق گیری با آگاهی یا عدم آگاهی و معرفت یا عدم معرفت نسبت به الگو و سرمشق، رابطه ی مستقیم دارد. به عبارت دیگر انسان در سنین پایین عمر، معمولاً به صورت ناآگاهانه حرکات الگو را سرمشق قرار می دهد و در خوبی یا بدی حرکاتی که مورد تقلید قرار می دهد، اندیشه نمی کند. معمولاً ناهنجاری هایی که کودکان از خود نشان می دهند، ناشی از همین ناآگاهی نسبت به الگو است.

مرحوم دکتر «کی نیا» در کتاب «جرم شناسی» می نویسد:

«پرز گفته است قسمت اعظم رفتار و گفتار کودکان ناشی از تقلید است طبیعتاً خیر و شر را هم از راه تقلید می آموزند. دختر بچه ای پدر تندخویی داشت. در پانزده ماهگی ابرو در هم کشیدن و فریاد زدن را از پدر آموخت. در سه سالگی در گفتگویی با هم بازی خود به او گفت: ساکت باش؛ تو نمی گذاری من حرفم را تمام کنم - درست مانند پدرش. لوکاس نقل می کند که کودکی بین شش تا هشت ساله، برادر کوچک تر خود را خفه کرد. هنگامی که پدر و مادرش در بازگشت به منزل این وضع را مشاهده کردند، کودک خود را در آغوش آن دو انداخت. در حالی که اشک می ریخت، می گفت: دیدم که اهریمن چگونه دلق را خفه کرده است. من خواستم از آن تقلید کنم»^(۶)

به مرور زمان آگاهی بیش تری نسبت به الگو در شخص ایجاد می گردد. در این مرحله، انسان به جای تقلید حرکت، دست به نوعی پالایش و گزینش می زند. برخی حرکات را سرمشق قرار می دهد و برخی را رها می کند. عواملی که در این گزینش دخالت دارند، عبارتند از گرایش های شخصی، قبیله ای، گروه اجتماعی، اعتقادات، ارزش ها، فرهنگ و عوامل دیگر.

در عین حال مشاهده شده است که برخی افراد در سنین بالای عمر نیز کارها و حرکاتی را کودکانه و کورکورانه تقلید می کنند.

مرحوم دکتر کی نیا در این خصوص به نقل از «لومبر ووزو» می نویسد:

«علت ثانوی خالکوبی، تقلید است. روزی برای یک سرباز شجاع مبلغی خرج کردم و از او پرسیدم چرا بازوی خود را چنین تباه کرده است. در حالی که می خندید، به من جواب داد: ملاحظه می فرمایید

جمع گرایی انسان مبتنی بر «تأثیرگذاری» است. البته هر تأثیر بر سه پایه استوار است. شخصی که تأثیر می گذارد، «الگو» یا «سرمشق» عنوان می گیرد و در این معادله رکن تعیین کننده به حساب می آید؛ پایه ی دوم شخصی است که تأثیر می پذیرد و رکن سوم، رفتاری است که مورد تقلید قرار می گیرد.

«الگو» به چه معناست؟ انسان در چه سن و سالی از الگوها تأثیر می پذیرد و در چه هنگام خود به عنوان الگو می تواند تأثیرگذار باشد؟ الگوهای انسان در مراحل مختلف سنی و در گروه های گوناگون اجتماعی چه کسانی اند؟ مباحثی از این دست، موضوعاتی مطرح در علم روان شناسی است. در این مختصر به چند نکته اشاره می شود:

فرآیند الگوپذیری

روان شناسان، الگوگیری را فرایندی دانسته اند که شخصی طی آن رفتارهایی را از طریق مشاهده یاد می گیرد و آن ها را دوباره تولید می کند.^(۲)

مثلاً کودک می تواند رفتار والدین خود را یاد گیرد، یا دانش آموز، حرکات معلم را به ذهن بسپارد تا در شرایط مقتضی آن ها را انجام بدهد (دوباره تولید کند)

البته روان شناسان معتقدند که میان یادگیری رفتار الگو، با انجام دادن دوباره ی آن بایستی تمایز قائل شد.

به عبارت دیگر هر یادگیری با انجام دادن رفتاری مشابه، ملازم نیست. مگر این که دلیلی برای انجام دادن رفتار پیش آید. این یادگیری (یادگیری بدون انجام دادن رفتار) را «یادگیری نهفته» می نامند.^(۳)

الگوپذیری مبتنی بر «هماندسازی» است و این مقوله ای مهم در فرایند رشد انسان است. شخصی که آگاهانه هماندسازی می کند، بایستی اولاً شخص مورد نظر را بشناسد؛ ثانیاً او را دوست بداند و ثالثاً او را از دیگران برجسته تر و معتبرتر بداند. بدون این سه امتیاز نمی توان انتظار داشت حرکات کسی سرمشق دیگران قرار بگیرد.

نخستین جرقه ی سرمشق گیری و الگوپذیری، در هفت یا هشت ماهگی بروز می کند. طفل در این سن «تقلید انتخابی» می کند و با افزایش سن او مثلاً بعد از اولین سال تولد، تقلیدهای پیچیده تری از او بروز می کند که به آن «تقلید تأخیری» می گویند، یعنی یادگیری هایی که خود آن ها را در فرصت های دیگر اعمال می کند.

طفل، بین سال اول و دوم تولد، بیش تر از سرمشق های زنده تقلید می کند، تا سرمشق های تلویزیون و در فاصله ی میان یک تا سه سالگی، تقلیدهای اجتماعی او شروع می شود.

براساس این یافته ها الگوپذیری انسان از هفت

از روزی که جواد وارد دانشگاه شد تا آن روز که دبیر کمیته انضباطی حکم «محرومیت از تحصیل به مدت دو نیم سال با احتساب سنوات» را به او ابلاغ کرد، بیش تر از سه سال طول نکشید؛ اما تغییر شخصیت او در این مدت آن قدر پرشتاب بود که هیچ کس نتوانست آن را باور کند.

جواد روزهای اول با کسی رفت و آمد نداشت؛ وقتی با هم کلاسی هایش صحبت می کرد، زرد و سرخ می شد و با حجب و حیای شهرستانی نگاهش را پایین می انداخت؛ اما کم کم پنجره ی مراوده با چند نفر از هم کلاسی ها را باز کرد و و برای این که بتواند پذیرشی در جمع پیدا کند، تلاش کرد حرکات و گفتار آن ها را بپذیرد. به مرور زمان خودش را پیدا کرد و برای جبران گذشته در یکی از نهادهای دانشجویی فعالیت خود را آغاز کرد؛ اما همین امر به جای پالایش شخصیت او، زمینه ای شد تا خواسته های دیگری را نیز آزمایش کند.

برخی ارتباط های نادرست، جواد را به سمت و سویی سوق داد که مسئولان کمیته ی انضباطی مجبور شدند او را احضار کنند و به صورت شفاهی به او تذکر بدهند.

افت درسی جواد، بالاخره در ترم سوم و چهارم، او را جزو دانشجویان مشروط قرار داد.

شخصیت جواد بیش از این ها افت کرد. دست آخر در یکی از روزهای اول ترم ششم، دبیر کمیته ی انضباطی حکم محرومیت از تحصیل به مدت دو نیم سال را به جواد ابلاغ کرد و رونوشتی نیز به مسئولین مربوطه جهت جلوگیری از ورود جواد به دانشکده و خوابگاه داده شد.

جواد رفت به همان شهرستانی که سه سال قبل با کلی آمال و آرزو از آن جا آمده بود، به امید آن که روزی مدرک فراغت از تحصیلش را چشم روشنی والدینش قرار بدهد. اما آیا این جواد همان جواد قبلی است؟

چرا جواد به این ورطه افتاد؟ محرومیت های گذشته؟ دوستان ناباب؟ محیط دانشکده؟

هرچه بود، یک مطلب را نمی توان نادیده گرفت، جواد الگوهای رفتاری خوبی برای بازیابی خودش دست و پا نکرد؛ و این مسأله او را به جایی رساند که جز اخراج از دانشکده چاره ای برای مسئولان باقی نگذاشت؛ که گفته اند «آخالدواء الکی»^(۴)

جمع گرایی انسان

انسان موجودی است اجتماعی. فطرت جمع گرایی و گریز از زندگی انفرادی و دیعه ای است که خدای متعال در انسان نهاده است و در حقیقت این و دیعه ای الهی زیربنا و خمیرمایه ی تشکیل اجتماعات انسانی است.

بدون وجود این روحیه، طبیعتاً تمدن های انسانی نیز به ظهور نمی رسد؛

می‌بریم.
سخن بشنوی بهترین یادگیر
مگر تا کلام آیدت دل‌پذیر
جز از نیک‌نامی و فرهنگ و داد
ز رفتار گیتی مگیرید یاد

پی‌نوشت:

۱. آخرین دوا سوزاندن است، منظور این که گاه اصلاح شخص راهی جز برخورد قهرآمیز ندارد.
۲. روان‌شناسی شخصیت، ترجمه: دکتر پرویز کدیور، ج ۲، ص ۲۱۴
۳. همان، ج ۲، صص ۱۳۸ - ۱۴۲
۴. روان‌شناسی عمومی، دکتر حمزه گنجی، ۳۴۲
۵. روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، دکتر پارسا، ص ۱۴۱
۶. جرم‌شناسی، سیدمهدی کی‌نیا، ج ۱، ص ۴۷۶
۷. همان، ۴۲۰

شخصیت فرد می‌انجامد. در واقع ساختمان و اسکلت شخصیت فرد براساس رفتارهایی است که در چارچوب واژه‌ای به نام «الگوپذیری» یا «سرمشق‌گیری» قرار می‌گیرد. بدون شک سعادت و تیره‌بختی شخص، به این نکته بستگی دارد که شخص، کدام چارچوب را برای این مهم برگزیند. افرادی که الگوهای واقعی و منطبق با فطرت و عقل خدادادی را بر می‌گزینند، همانندسازی شخصیت آنان براساس این الگوها شکل می‌گیرد و کسانی که افراد منحط و لایبالی را به عنوان سرمشق و الگو انتخاب می‌کنند، آوندهای درخت پلیدی خواهند شد که میوه‌ی آن ناهنجاری‌های اجتماعی است.

دنباله‌ی این بحث را به یاری خدا در شماره‌های آینده در خدمت شما خویان هستیم. اما این بخش را با دو بیت از حکیم ابوالقاسم فردوسی به پایان

آقا، ما مثل گوسفندان هستیم، اگر یکی از ما عملی انجام دهد، تمام گوسفندان از آن تقلید می‌کنند، حتی تحمل خطر و آسیب را در این تقلید می‌پذیرند.

اغلب اتفاق می‌افتد که یک جمعیت بدون استثنا همگی دارای یک علامت (مثلاً قلب) می‌باشند و این نکته مؤید تأثیر عجیب تقلید است.

لاکسانی در یک زندان، ده نفر بازداشتی را دید که همگی به تقلید از یکی از دوستان خود بر بازوی خویش کلمه‌ی «بدون شانس» را خال کوبیده‌اند. یکی از آن‌ها گفت که این کار را به خاطر این انجام داده‌ام که تمام زندانیان این‌چنین خال کوبیده‌اند» (۷)

آری، نمی‌توان تأثیر سن و سال را در گزینش الگوها نادیده گرفت.

فرایند الگوپذیری در نهایت به ساخته شدن

